

رویشی در دل تحریم فرصت‌ها

پژمان عرب

سرمدییر

«من با تجربه این رامی گویم که میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست. اما شرط آن این است که نترسید و نترسیم و نترسانیم.»

برای خیلی‌ها، این جمله پر از سؤال است و آدم‌هایی که پاسخی توصیفی برای این جمله معروف شهید سلیمانی دارند، مصداق‌های خیلی متفاوتی را مثال می‌زنند. برای منی که طی این سال‌ها درگیر تجربه روایت دانش بنیان‌ها بوده‌ام، این جمله مرا بیش از هر چیز، به یاد قصه شرکت‌های دانش بنیان می‌اندازد. سیر رشد این مجموعه‌ها، یک نمونه مشخص و برجسته از وجود فرصت در دل بحران‌ها است؛ فرصتی که موجب شد ظهور و بروز توانمندی دانشمندان و فناوران جوان دانش بنیان کشور را در عرصه‌های مختلف ببینیم و توان میدان‌داری آنها در حل چالش‌های سنگین تحریم‌ها را باور کنیم. گرچه کشور ما از همان سال‌های ابتدایی انقلاب گرفتار انواع تحریم‌ها شده بود، اما نظام تحریم‌هایی که از سال ۸۹، انواع ساختارهای حیاتی پولی و مالی و فروش نفت و حمل و نقل ایران را هدف گرفت، تجربه تازه و جدیدی بود که نتایج تلخ و شیرین گوناگونی برای کشور و مردم ما داشته است. وجه تلخ ماجرا، آن جایی بود که بخش‌هایی از زندگی مردم را رسماً فلج کرد و بار درد و غم بیماران را سنگین‌تر و دردناک‌تر کرد. وجه شیرین ماجرا اما جایی بود که معمولاً از چشم آدم‌های معمولی پنهان مانده بود؛ تغییر مدل حکمرانی مبتنی به پول مفت نفت؛ مدل ناکارآمدی از حکمرانی که بعد از گذشت سی سال از انقلاب، همچنان موجب شده بود که ساختارهای کند دولتی در برابر هر تحول و تغییرات بنیادی و نوآورانه‌ای مقاومت کنند.

به طوری که برنامه‌های تحول روی کاغذ، در عمل با سرعت لاک پشتی پیش می‌رفتند و مثلاً برای تحقق دولت الکترونیک، فرصت ده ساله هم به جایی نمی‌رسید. بدتر اینکه گلوگاه و هسته بنیادی همه این برنامه‌های تحول، شدیداً وابسته به شرکت‌های خارجی بود. اقتصاد نفتی با مدیریت شرکت‌های دولتی، طبیعتاً ترجیح می‌داد زحمت زیادی برای بومی‌سازی نکشد یا دیگر اگر خیلی می‌خواست قراردادها پیش‌ملی باشد، نهایتاً انتقال فناوری را هم ضمیمه قرارداد خارجی می‌کرد. روندی تغییری که موجب می‌شد بخش‌های صنعتی دولتی (غیر از صنایع نظامی که مدل کارشان متفاوت بود و هست)، نه از جهت انگیزه و نه از جهت نیروی انسانی، هیچ‌گاه به سمت تحول و توسعه فناوری بومی نروند.

البته این تصویر مطلق نیست و پیگیری دقیق‌تر نشان می‌دهد که جوانه‌های تغییر از اوایل دهه هشتاد و در صنایع مختلف، از زیست فناوری تا نانو و تجهیزات پزشکی و بقیه حوزه‌های دانشی، شروع به رویش کرده بود. با این حال فاصله با وضع مطلوب، همچنان چند دهه بود و بخش دانش بنیان همچنان در پیچ و خم اداری دستگاه‌های دولتی و بروکراسی نامتناسب با کار عملی علمی، گیر کرده بود. همچنان متقاضی اصلی خدمات و محصولات این شرکت‌ها، شرکت‌های دولتی بودند که با چند دهه واردات از گران‌ترین برندهای خارجی، حاضر نبودند به این آسانی تغییر ریل بدهند. دهه هشتاد تغییرات دیگری هم داشت؛ افزایش شدید تعداد فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی، نیروهای جوان و با انگیزه‌ای را وارد مجموعه‌های مختلف علمی کشور کرد. رهبری هم در ادبیات‌سازی آن سال‌ها، هم‌زمان هم پیشرفت‌های علمی فناورانه را پررنگ می‌کردند و «علم برای تولید ثروت» را سر دست گرفته بودند، هم بخش عظیم دولتی و عموم مردم را مدام توصیه به خرید از داخل و کالای ایرانی می‌کردند. مجموعه جریان‌هایی که در کنار جان‌گرفتن معاونت علمی ریاست جمهوری در اواخر دهه هشتاد اوایل دهه نود، موجب قانون‌گذاری‌های هدفمند و خیزش دانش بنیان‌ها در کشور شد.

اما در حالی که بخش‌هایی از کشور و اقعاً داشتند به سمت بومی شدن متمایل می‌شدند و حتی قانون‌گذاری‌های جدی برای حمایت از تولید داخل داشت شکل می‌گرفت، ماجرای برجام و حضور مجدد تبلیغاتی و پراسروصدای کمپانی‌های چندملیتی و غش کردن شرکت‌های دولتی به سمت آنها، شوک جدیدی را به بعضی حوزه‌های دانش بنیان و فضای فکری اتکاب به ظرفیت‌های داخلی وارد کرد. اتفاقی که با تحریم‌های سبقت و سخت‌ورویکرد کاملاً خصمانه ترامپ، دوباره ورق را برگرداند؛ این بار بخش‌های دولتی و اقعاً در پی شرکت‌های دانش بنیان بودند.

اینجا البته برآیند ماجراست و بودند شرکت‌های دانش بنیانی که خودشان، از تحریم‌ها ضربات اساسی خوردند؛ آماده‌ها نمونه رامی‌توان از دل خاطرات تاریخ شفاهی دانش بنیان‌ها و بخش‌های مدیریتی کشور مثال زد که نشان می‌دهد، تحریم خارجی توانست فرصت‌هایی که اسیر تحریم‌کنندگان داخلی بودند را بالا ببرد به همه نشان دهد.

«تولید بار اول» یک مثال روشن است که زاینده روزهای بعد از تحریم شدید دوران ترامپ است؛ مجموعه‌ای که با مدیریت معاونت علمی ریاست جمهوری و با مصوبه شورای امنیت ملی راه‌اندازی شد تا در حوزه‌هایی با فناوری پیشرفته و نیاز مبرم داخلی، بومی‌سازی را خارج از تشریفات مرسوم پیگیری کند. تصمیمی که اتفاقات بزرگی را رقم زده است که به زودی، روایت‌های آن را در نشریه و کتاب‌های مرتبط خواهید خواند. به جمله سردار شهید برگردیم «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست»؛ بحران تحریم باعث شد بخشی از توان عظیم و بالقوه کشور که مدت‌ها پشت سد ترسیدن‌ها مانده بود، یکباره سر برآورد. توانی که بی‌نظیر است و هنوز تنها درصد کوچکی از توان فناورانه جوانان و نخبگان ایران را نشان می‌دهد.

ظهور و بروز نزدیک ده هزار شرکت دانش بنیان که در جغرافیای ایران مشغول کار و فعالیت فناورانه‌اند تا گره‌های زندگی مردم کشورشان را باز کنند، گواه و تجربه‌ای از موفقیت مسیری طی شده است. مسیری که با شجاعت و نترسیدن‌های همین مدیران و مردم و جوانان، همچنان راه درازی برای فعال کردن ظرفیت‌های باورنکردنی مردم دارد.